جامعه قوی تر و مســتحکم تر بــود چون همین احساس تعلق میان آنها وجود داشت، بههم نزدیک تر بودند و با هم رابطه داشتند، مسائل مردم برای یکدیگر مهم بود و همین باعث ایجاد

ولی در زندگی مُدرن نتوانستهایم فرآیندهای ری راز ادغــام اجتماعی را به خوبی داشــته باشــیم، ما آدمهای امروز در زندگی شــهری مثل برادههای آهن هســتیم کــه احســاس پیوســتگی باهم

در قبال هـم نداريـم. هر قبال هـم دريـم. هر کســی در زندگــی روزمره خود مشغول اســت و مردم ارتباط خيلی محــدودی با

هم دارند و بــه همین دلیل

نوسعه یافته این زمینههای تعلق خاطـر مردم نسـبت بـه هـم را ایجاد کـردهان

د مثلا با ایجاد نهادهای مدنی، تشکلهای صنفی

و اجتماعــی یــا نهادهــای

. حزبی و سیاسی زمینههای نعليق افراد جامعه نس به هم را ایجاد کردهاند؛ مردم براساس اهداف و

زمینههای فکری مشترک

هستند و هیچزمینه

فعاليت اجتماعي برأى أنها

از بین مــیرود؛ در این فضا

مانمی توانیگ صرفامردم را متهم کنیم که چرا احساس

مسئولیت در قبال جامعه

ندارند؟ چون اساسا زمینهای

براى ايجاد مسئوليت

اجتماعی بــرای آنها فراهم

تعلق وجود داشته باشد و

مردم لازم بدانند خیلی هم

خوب احساس مسئوليت

عه وقتی زمینهای برای

، مردم ضرورتی به

فعالیت گروهی و مشترک

ہے۔ نیست.هر جایی کها۔

می کننسد، ولسی در بس

وجود ندارد نهايتا احس

این مسئولیتناپذیری

نمی کنیم، چون هیچ تعلق خاطری نسبت مسائل هم نداريم و به همين دليل هم مسئوليتي

ذرەبين





ـئولیت اجتماعی، در جامعه ما ه ... أله ه .. به مقوله ای روشن و متماینز و در عین حال یچیده و مبهم بدل شده و تعاریف، تفاسیر، بحـدوده و ابعـاد آن از نظر افـراد مختلف، دامنه گســتردهای پیــدا کرده اســت. در هر حال، چیزی کــه با قطعیت می تــوان در باب مسئولیت اجتماعی از آن سخن راند، وجود) ر ت که همواره دو مقوله «حق» و «تکلیف» اســ ے۔ تی در کنار هم و با یکدیگر بیان شوند اگر هر یک از ایس دو، بنا بر هر دلیلی، حذف یا کمرنگ شود، دیگری نیز رنگ می بازد. هر فردی از افراد جامعه، به همان اندازه که دارای حقوق است، دارای تکالیف و مسئولیتهایی در قبال دیگران هم هست. حقوق هر فرد، تكاليف ديگران در قبال اوست و تكاليف هر فرد، حقوق ديگران در قبال اين فرداست. لذا ـئولیت اجتماعی، بدون حقوق، به امری تحکمی و دستوری و یک طرفه بدل می شود ئولىت اجتماعــى بــدون و همچنیـــن، مســئولیت اجتماعــی بـ تکلیف،بهندرتجامهعملمیپوشاند.

ف ہنگے

درباره این موضوع، «محمدمسراد بیات»، جامعه شناس و استاد دانشگاه، نظر خود را با . «شهروند» در میان گذاشته است؛ مُهم ترین موضوعی که «بیات» در ظهور و بروز مسئولیت اجتماعی و توسعه آن در میان مردم اشاره می کند، وجود سازمان های مردم نهادیا همان «ان جی او هاست. سازمان های مردمنهاد با سازوکار خود می توانند مسئولیت اجتماعی رابه مردم واگذار کنند و از این طریق، موجب نقویت آن شوند؛ اما این جامعه شناس معتقد ست که این مهم در جامعه کنونی ما اتفاق نمىافتد؛ چراكه بـا آيجاد، تقويت و توسـعه ــازمانها، برخــوردام گفتو گوی مارا با محمد مراد بیات در ادامه

• دو مقوله «حق» و «تکلیف» در مس نتماعی چه جایگاهی دارند؟

اجدهاعی چه چایدهاهی دارند: مسئولیت اجتماعی در فرآیند حقوق و تکالیف، ابعاد روشن تری به خود می گیرد. هر شهروند برای حضور در اجتماع، هم حقوق و هم تکالیفی را واجد ت. این دو-حقوق و تکالیف-بــه مثابه دو کفه

بهطور کلیی در جریان رشد، به میرور زمان،

به مرحله است. وقتی کودک با مادر از تباط برقرار

. می کند، بسته به محیط و شــرایط این رابطه، که به چه میزان امنیــت دارد؛ اینکه تا چه انــدازه، مادر در

دسترس کودک باشد، بسته به هیجانات رفتاری مادر

در کودک، شکل می گیرد؛ کسه می تواند پایه های مسئولیت پذیری یا مسئولیت ناپذیری کودک را

مسئولیت پذیری به معنای توانایی درک نیازهای

ر ي ـ . . تشكيلدهد.

ترازوهستند که باید همسان با یکدیگر دیده شوند؛ و اختلال در هــر یک اختلال در دیگــری را نیز به سیاسی، علمی، دانشجویی و ... فراهم می شود. اگر چه در دنیای امروز می توان بخشی از مسئولیتهای اجتماعی را نیز در رفتارهای فردی مشاهده کرد؛ بیمانی و بیر تر رخارهای و برای مستخده برد. مانند دستگیری از یک ناتوان برای عبور از خیابان، اهدای صندلی به افراد مسن و بزرگان در حمل ونقل شهری، بر داشتن زباله از سطح خیابان، تذکر به یک . را را . توانمندی خود را در سازمانها و نهادهای محلی و ملی گوناگون به کار گیرند.مانندهیاتهای منصفه، حل اختلاف، معتمدین، هیاتهای داوری در عرصه مهروند برای رعایت هنجارها و ارزشها و مواردی از انتخابات وبسياري ديگر كه درقانون پيش بيني شُ

• چهچیــزی می توانــد بســتری بــرای فعالیتهــای اجتماعی شــهروندان را فراهم سازد؟ و چهچیزی می تواند آن را از میان ببرد؟ . اما آنچــه که می توانــد مســئولیت اجتماع_ه نانونمند، ضابطهمند، پایدار و استوار کند، امکان تأسيس و توسعه سازمانهای مردم نهاداست. سرد، وچه چیری می تواند بستر و زمینه را برای حضور آن چیزی که می تواند بستر و زمینه را برای حضور فعال و ایفای مسئولیت اجتماعی شهروندان فراهم مردم حق دارند که چنین ُنهادهایی را ایجاد کنند همچنین تکلیف دارند نسبت به شهر و جامعه خود در عرصه های مختلف، توان، تخصص واستعداد خود رابه کار گیرند. حال فرض کنید چنین حقی از جامعه کند، امکان تاسیس، توسعه و فعالیت سازمانهای مردمنهاد یا به تعبیری «سمن» یا همان NGOها رهنگی مانند ترویج کتابخوانی و ارزشها و منجارهای فرهنگی، همچنین محیطزیست و ایفای مسئولیت در سالمسازی محیطزیست و نیز دفاع از حقوق شهروندان مظلوم يا مغفول يا مطرود

ود؛ آيا امكان انجام چنين تكليفي فراهم است؟ حاكميتي كه براي شكل گيري نهادهاي مردمی، مانع تراشــی کنُد و زمینه را برای تأسیس احزاب، اصناف، سندیکاها و سایر نهادهای محلی و منطقهای فراهم نکند، یا آنان را با رفتار های پلیسی و امنيتي مواجه سازد، خودبه خود زمينه رابراي ايفاي

طرافیان، تنها نیروی موثر شــکل دهنده احــ

ولیت کودک است؛ اما زمانی که فرد وارد جامعه

• آن چیزی که می تواندبستر و زمینه رابرای حضور فعال و ایفای مسئولیت اجت ان بیرون امی و سند، امکان تاریخی از برو شهروندان فراهم کند، امکان تابیب، توسعه و فعالیت سازمان های مردمهای یا به تعبیری اسسمن! یا همان NGOها است، در قالب این انجمنها و نهادهای مردمی است که امکان ایفای مسئولیت اجتماعی در عرصههای فرهنگیی مانند ترویج ستسهان بین طویسه موسیا می سود. کتابخوانی وارزش هاوهنجار های فرهنگی همچنین محیط زیستوا نفاع مسئولیت در سالهسازی محیطز بست و نیز دفاع از حقوق شهروندان مظلوم یا مغفول یامطرود و همچنین فعالیت در عرصههای هنری، اجتماعی، سیاسی علمی،دانشجوییو...فراهممیشود. •نكته بسيار مهم و حايز اهميت اين كه فراموش نكني قرائت صحيح از معرفت ديني وهمچنين تجربه دنياي امروز،

مسئولیت اجتماعی یا به تعبیر دینی،امر به معروف و نهی از منکر را نباید دولتی و حاکمیتی کرد. حاکمیت صرفا موظف استُ بسُــتر لازُم را برای بروز چنینُ مســئولیتی فراهم ُکند: و حق نــدارد آن را در اختیار افــراد یا گروه خاصــی قرار دهد. متاســفانه جامعه ما با این تنگنا مواجه اســت. از سویی حقوق مردم در تأسیس سازمانهای مردم نهاد رعایت نمی شود؛ و از سوی دیگر، مسئولیت های اجتماعی را باظاهر قانونی اما تحکم آمیز به برخی نهادها می دهند؛ و گویا عملا مىخواھندمردمراازاينطريقخلعيدكنن

وحاکمیتی کردن مسئولیت اجتماعی تا چه اندازه موجه است؟

ــيار مهم و حايز اهميت اين كه فراموش نکنیم، مطابق قرائت صحیح از معرفت دینی و همچنین تجربه دنیای امروز، مسئولیت اجتماعی یا به تعبیر دینی، امر به معروفُ و نهی از منکر را نباید دولتی و حاکمیتی کرد. حاکمیت صرفا موظف اسُت بسُتر لازم رابرای بروز چنین مسُئولُیتی فراهم کنده و حق ندارد آن را در اختیار افراد یا گروه خاصی قرار دهد. متاسفانه جامعه سابااین تنگنا ی ریز جه است. از ســویی حقوق مردم در تأســیس ازمانهای مردمنهاد رعایت نمی شود؛ و از سوی دیگر،مسئولیتهای اجتماعی را با ظاهر قانونی اما تحكُم آميز به برخي نهادها مي دهند؛ و كوياً عملا

میخواهندمردمرااز این طریق خلعید کنند. • انتظار شـما از ارتقا و اعتلای مسـئولیت اجتماعی، در بستر فعالیتهای اجتماعی در آیندهنزدیکچیست؟

ملت ایران در شرایط مختلف نشان دادند که عس مسئوليت اجتماعي أنها به نسبت ساير ملل، اگر قوی تر نباشد، ضعیف تر نیست. انبوه مو ر رای را . بیریه، مساعدتهای مردمــی و... بیانگر چنین "ر" موضوعی است؛ اما در برخی حوزهها کمتر شاهد ایفای مســئولیت اجتماعی شــهروندان هستیم ومقصر اصلى آن نيز عمدتا مردم نيستند؛ بلكه ر نگرشی در بالاست که امکان تأسیس سازمانهای مردمنهادرانمی دهد؛ یا برای فعالیت شهروندان در

ر ۱۳ می در کی در این نهادها، خطو نشان کشیده می شود. انتظار می رود دولت تدبیر و آمید کـه عمدتا نگرش مثبت و صحیحـی بـه حـوزه کنــد.بی تردید، باایفای مســئولیت مردم، بار بزرگــی از دوش نهادهای رسُمی ودولتی برداشتهٔ خواهد شدو زمینه برای توسعهای پایدار فراهم تر

بایستی پاسخگوی کردهها و ناکرده هایشان باشند.

از نقطه نظر روانشناسی اجتماعی می توان وجود یا

کری کری کری کری عدم مسئولیت پذیری اجتماعی در افراد را اینگونه توجیه و تبیین کرد؛ زمانی مردم مسئولیت پذیر

بیابند و به طور کلی بتوانند شے کت کننده در بازی ... رر کی، ر امور جامعه خویش باشند. در غیر این صورت، یعنی زمانی کـه گروهی، افــرادی، فردی یــا حتی گروه

ر کی در جامعه احساس کند که در اداره جامعه

عمومی افراد، اعم از حوزههای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و محیطزیست، کم می شــود و در نهایت

ئولىت پذيرى اجتماعى در آنهااز بين مى رود.

داده نمی شده، قطعا مشار کتش در سرنوش

. بارکتُ فعالی ندارد، یا به تعبیری، در بازی شرکت

در تاریخ فرهنگی ما نشــان

مردم در این فضا مصلوب الاختیار هستندو هیچزمینهفعالیتاجتماعی برای آنهاوجودنداردنهایتا جامعهاز بین می رود؛ در این فضامانمی توانیم صرفامردم رامتهم کنیم که چرااحساس

ما آدمهای امروز که به برادههای آهن میمانیم

ریر خانوادگــی و در عرصههای محدود و کوچــک یا روابط خویشاوندی و فامیلی این حــس مُســئوليت پذيری را داريـــم. حـــی می تــوان

ر رہے ، گفــت در شــهرهای کوچک کــه مردم نســبت

به هــم شــناخت و نزدیکی بیشــتری دارند و در روابط

... روزانه با هــم ار تباط رودررو دارند، مســئولیت پذیری رامی بینیــم. بــا ایــن حال

در عرصه زندگی مدرن در عرصه

و در قالب زندگی شبهری و نظام اداری متاسفانه

مُسئولیت پُذیر نیستیم. مردم در اجتماعات شهری

ے در محلهها هم رابطه

چندانی باُهم ندارند بنابراین احساس مسئولیتی نسبت بــه اموری کــه مربــوط به

صحبت از مسئولیت پذیری و مسئولیت ناپذیری جامعه و این که مردم چقدر خود را در قبال جامعه مسئول می دانند، مسأله کلی و اساسی است؛ در نگاه کلی به نظر می رسد

ما مسئولیت پذیری را در برخی از رمینه ها شاهد هستیم و در برخی ابعاد متاسفانه این ویژگی را نداریم. مثلا در بعد به اصطلاح زندگی

ئوليت در قبال جامعه ندارند؟ چون اساسازمینهای برای ایجادمسئولیت اجتماعي براي آنها

در گروههایی عضو می شوند و فعالىتھاي احتماعــ ____ بسماعـــی، بیاســـی و اقتصادی انجام م سیاسی میدهند؛ مـردم به نوعی نساح... گروههای شهری است، ندارند. به بیان دیگر این ـبت بـه دیگران احساس نزدیکی پیدا می کنند و در قالبهای نظام صنفی یا تشکلهای مدنے وان جی اوها نوع احساس به نوع مديريت هركدام از حوزهها ت به خود و دیگر افراد جامعه احساس

نوع مستسن به نوع سیرین مراعته را خوراندی و گروههای جمعیتی برمی گردد؛ یعنی مردم در میان گروهی که احساس تعلق نسبت به دیگر اعضا دارند مسئولیت پذیری دارند و در سایر متاسفانه در کشور ما هیچ جایی نیست که گروههای بزرگتر این احساس راندارند. آدمها بتوانند براساس مسائل و اهداف مشترک خودعضو شوندو فعالیت هماهنگی راانجام دهند رر کرار کرین در زندگی خانوادگی و فامیلی هر کسی نسبت به دیگری احساس نزدیکی می کند و خود را که ُمسئولُیتُ پذیُری در قبال گروههاُی اجتماعی بالا برود. ما درواقع در کشوری هستیم که دولت . جزئی از خانــواده می داند پس مســــــولیُت پُذیر اســت. درواقع هرچه ما خود را به گروه اجتماعی أَنْ قَدْرُ عرصه نُفُوذَ چنينُ فَعَاليتهايي را تنك متعلق تر بدانیم این احساس مسئولیت شدت پیدا می کند. در مقابل در عرصه هایی که این ضور دستگاههای دولتی به حدی پررنگ حساس تعلق را نداریم، مسئولیت اجتماعی است که هیچ زمینهای برای رشد نهادهای مدنی وجـود نـدارد. مـردم در این فضا مسـلوبالاختیار

متاسفانه در كشور ماهيچ

جایی نیست که آدمها بتوانندبراساس مسائل

. واهداف مشترک خود

عضوشوندوفعالیت هماهنگیراانجامدهندکه

مسئولیت پذیری در قبال گروه های اجتماعی بالابرود.

رد مادرواقع در کشوری هستیم که دولت آن قدر عرصه نفوذ

چنین فعالیتهایی را تنگ

کر ده و حضور دستگاههای

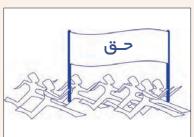
که هیچ زمینهای برای رشد نهادهای مدنی وجودندارد

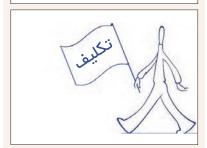
دولُتی به حدی پر رنگ اس

ضعیف می شود. مردم ما در سطح شهر و به عنوان یک شهروند ر. احســاس تعلقی نس شــهر خود، نظــام اداری و قوانین و دیگر شهروندان ندارند؛ نوع رابطه مردم شهر باهم كاملاازهم كسيخته ر ۱۰ ت چــون اساســـامردم تعاملی باهم ندارند و طبیعی است که احساس مسئولیتی نسبت به هم نداشته باشند. احساس مسئولیت جایی شکل می گیرد که احساس

تعلقی وجودداشته باشد. مردم مابرای چه نسبت به کسانی که نمی شناسند به اسایی که نمی سیست وفضاهایی که برایشان ناآشناست احساس مسئولیت کنند، گذری

سی دهد پیشتر روابط میان مردم ما در سطح مسئولیت پذیری نمی بینند.





مسئوليت يذيري ازمنظرر وانشناختي

معناست كهافرادديگر وحقوق آنها در نظر فردتاچه اندازه مهم و دارای اهمیت است. اینکه فرد به همان میزانی که به خود اهمیت می دهد، به دیگران نیز

وسواس گونه و بیمار گونه بودن آن، همگی بسته به نوع تربیت و تکامل روانی فرد است. گرچه همواره میان روان یک فرد، یعنی مشخصههای فردی افراد میان روان یک فرد، یعنی مشخصههای فردی افراد و محیط اجتماعی که در آن به سر می برند، رابطهای وجود دارد که در روند شکل گیری مسئولیت پذیری افراد مداخلــه و تاثير گذاري دارد. تـــا زماني كه فرد

مىشود،افراد وفيگورهاى اجتماعي،اعم از دولتى يا ی غیر دولتی، می توانند جای بزرگترها و افراد خانواده را در ذهن فرد بگیرند؛ لذا رفتار و منش این افراد، در مینه... سئولیت پذیری در تکامل روانسی فرد، چیزی فتار شهر وندان برای تکمیل تفکر مسئولیت پذیری، نیست که یک شبه و ناگهانی به وجود بیاید؛ بلکه این ر میران میران میران میال وقتی می بینیم که متولیان امور در سطح اجتماع، پاسخگوی عملکردو اعتماد عمومی نیستند، این احتمال بهوجود می آید که افسراد آن جامعه نیز، رفتار مشابهی را در تقابل رفتارغبر مسئولانه متوليان حامعه از خود نشان رفتار میر مسسود نه منونین جامعه از خونسان دهند به این معنا، اگر بخواهیم مردم را مسئولیت پذیر بار بیاوریم، بایستی که در گام اول، بزر گ ترهای جامعه را مسئولیت پذیر کنیم؛ یعنی متولیان امور،